

امام حسین علیه السلام الگوی شجاعت و قاطعیت با دشمن

حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر*

اشاره

یکی از مسائل حتمی برای جامعه ایمانی، وجود دشمن است؛ چراکه سطح بینش‌ها، انگیزه‌ها و گرایش‌ها متفاوت است و کسانی که آلوده به صفاتی مانند روحیه استکباری، نژادپرستی، زیاده‌خواهی و منفعت‌طلبی هستند، نمی‌توانند آرامش، سلامت و رشد و تعالی معنوی و پیشرفت مادی افراد و جامعه را ببینند و همیشه آماده توطئه، اختلال و آسیب‌رسانی به افراد، حکومت‌ها و جامعه ایمانی هستند؛ از این رو همواره بر ایجاد تفرقه و جنگ داخلی و جلب منافع و سلطه خود می‌کوشند. بر همین اساس، تعالیم اسلامی به وجود دشمن هشدار می‌دهند و راهکارهای مناسبی را به فراخور دشمنی و اقداماتش در نظر گرفته‌اند؛ همچنین غفلت و سستی ورزیدن در برابر آن را خطرناک و زیان‌آور توصیف کرده‌اند.

اسلام افزون بر وجود تعالیم سازنده برای چگونگی رفتار با دشمنان، به بیان الگوهایی از انسان‌های کامل از پیامبران مانند حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌پردازد که می‌تواند به مثابه منشوری درخشان برای گزینش مسیر درست مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین راه «احدی الحسنین» (پیروزی یا شهادت) را به همراه داشته باشد و زندگی سعادت‌بخش و مورد رضایت الهی را فراهم آورد.

امام حسین علیه السلام شخصیتی دارای شجاعت و قاطعیت با دشمن در گفتار و عمل بوده است که می‌تواند آینه تمام‌نمای انسان کامل و نیز الگویی بسیار مناسب در رفتار و مبارزه با دشمنان باشد؛ به گونه‌ای که از هرگونه رفتار افراطی و تفریطی جلوگیری می‌کند و فرجام احدی الحسنین را به همراه داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى أَحَبِّ

* محقق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْخُسَيْنِ: ^۱ کسی که دوست دارد به محبوب‌ترین اهل زمین در نزد آسمانیان را نگاه کند، به حسین نظر نماید». فرمانده عشاق دل آگاه حسین است بی‌راهه مرو، ساده‌ترین راه حسین است از مردم گمراه جهان راه مجوید نزدیک‌ترین راه به الله حسین است

۱. مفهوم‌شناسی

الگو

الگو به معنای سرمشق، شخص یا چیزی است که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزها قرار می‌گیرد. ^۲ در لغت عربی به معنای «اسوه» و «قدوه» آمده است. ^۳

شجاعت

شجاعت یعنی دلاوری ^۴ و ویژگی‌های اخلاقی ناشی از جرئت، دلیری و ثبات است. ^۵ در علم اخلاق، «شجاعت» در برابر «تهوّر» (بی‌باکی) و «جبن» (ترسوئی)، ^۶ به معنای اطاعت قوه غضب از عقل در اقدام بر کارهای خطیر است تا عملش ستوده و صبرش نیز پسندیده باشد. ^۷

قاطعیت

به معنای نفوذ شخص بر زیردستان و همکاران است؛ به گونه‌ای که دستورهای او را در زمان معین و به درستی انجام دهند؛ همچنین به مفهوم انجام کار با پشتکار، جدیت و استواری است. ^۸

دشمن

دشمن یعنی آن‌که عداوت می‌کند و ضرر می‌رساند ^۹ یا در برابر کسی یا چیزی حس مخالفت،

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۷۳.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۳، ص ۳۲۴۸.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۹۵؛ ج ۷، ص ۳۳۳.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۹، ص ۱۴۱۶۷.

۵. مینو افشاری‌راد و علی اکبر آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۷۷.

۶. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۱۱.

۷. همان، ص ۹۷.

۸. همان، ج ۶، ص ۵۴۵۳.

۹. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۷، ص ۱۰۹۰۸.

بدخواهی و کینه‌توزی دارد.^۱ بنابراین هر کسی چنین صفاتی را داشته باشد، دشمن خواهد بود، گرچه داخلی باشد؛ همان‌طور که رهبر شهیدمان فرمودند: «هر کسی فضای تهمت‌زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور آمریکاست».^۲

۲. اهمیت شجاعت

شجاعت از صفاتی است که می‌تواند در استیفای حقوق خود، خانواده، دین، کشور و مردم بسیار اثرگذار باشد. فرد در جایگاه رهبری و مسئولیت که دارای شجاعت باشد، می‌تواند الگوی خوب و نقش‌آفرینی در بسیج نیروها و حرکت‌های مردمی در مقابل دشمنان باشد.

شجاعت به اندازه‌ای ارزش دارد که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد بین افرادی که اسپرش بود، یکی از آنان را به دلیل داشتن پنج خصلت، یعنی بخشش، غیرت در برابر خانواده، خوش خلقی، راست‌گویی و شجاعت آزاد کند.^۳

خداوند در قرآن از گروهی از مؤمنان که دارای شجاعت و قاطعیت در برخورد با دشمنان هستند، ستایش می‌کند و می‌فرماید: «... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۴ خدا به زودی گروهی می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان هم خدا را دوست دارند. در برابر مؤمنان فروتن‌اند و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند. همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند».

در روایتی آمده است: «خداوند پیامبر اکرم را به ده خصلت اختصاص داده است: یقین، قناعت، بصیرت، شکر، بردباری، سخاوت، حسن خلق، غیرت، جوانمردی و شجاعت؛ شما هم خود را امتحان کنید که اگر در شما چنین خصلت‌هایی وجود دارد، خدا را ستایش نمایید و اگر وجود ندارد، از خداوند درخواست کرده و به آن رغبت داشته باشید».^۵

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «الشَّجَاعَةُ زِينَةُ: شجاعت زینت است»؛^۶ همچنین فرمودند:

۱. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۲۰۷.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۱۳۸۵.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۲۸۲.

۴. مانده: ۵۴.

۵. علی بن موسی، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۵۳.

۶. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۹.

«الشجاعة نصره حاضرة و فضيلة ظاهرة: شجاعت نصرتی حاضر و فضیلتی آشکار است»^۱. در روایت دیگری فرمودند: «السَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ غَرَائِزُ شَرِيفَةٌ يَضَعُهَا اللَّهُ سَبْحَانَهُ فَيَمُنُ أَحَبَّهُ وَ أَمْتَحَنَهُ»^۲ سخاوت و شجاعت غرایز شریفی هستند که خداوند آن را در کسانی قرار می‌دهد که آنان را دوست داشته و امتحان کرده است». فایده شجاعت، غیرت داشتن است که فرمود: «ثمرة الشجاعة الغيرة»^۳ و زکاتش، جهاد در راه خداست: «زكاة الشجاعة الجهاد في سبيل الله»^۴. از منظر استاد مطهری^۵، شجاعت را می‌توان یکی از شروط مبلغ و پیام‌رسان دانست و آیه «الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۶ آنان که رسالات و پیام‌های الهی را به مردم می‌رسانند و از خدای خودشان می‌ترسند و از احدی جز خدا بیم ندارند»، بیان‌کننده این شرط است.^۶

البته باید توجه داشت که شجاعت و قاطعیت در برابر دشمن زمانی ارزش دارد که با بینش الهی و عزت‌مندانه همراه باشد؛ یعنی شخص شجاع مرگ در راه خدا را در مقایسه با زندگی، سبب افتخار و عزت بداند؛ درست همانند امام حسین^{علیه السلام} که فرمود: «مَوْتُ فِي عِرِّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ: مردن با عزت بهتر از زندگی با ذلت است». همچنین فرمود: «وَلَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أَفْرَ فِرَارَ الْعَبِيدِ: نه به خدا قسم، من خودم را به دست خویشتن ذلیل شما نخواهم کرد و نظیر غلام‌ها فرار نخواهم نمود»؛ یعنی نه ذلت و نه تسلیم. در اشعاری نیز فرمودند:

انسى لا ارى الموتَ الا سعادةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ الا بَرَمًا^۷
الموت خير من ركوب العار و العار اولى من دخول النار^۸

۳. نمونه‌هایی از شجاعت و قاطعیت امام حسین^{علیه السلام}

داشتن مواضع روشن، شجاعانه و قاطعانه از سوی رهبران الهی و انسان کامل در برابر دشمنان از

۱. همان، ص ۷۸-۸۸.

۲. همان، ص ۹۸.

۳. همان، ص ۳۲۷.

۴. همان، ص ۳۹۰.

۵. احزاب: ۳۹.

۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۵۶-۳۵۷.

۷. حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۸.

۸. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

مسائل مهم در عرصه سیاسی و روشن‌کننده تکالیف پیروان و دوستان است. تاریخ و سیره رفتاری امام حسین علیه السلام نشان می‌دهد که آن حضرت مواضع شجاعانه و قاطعانه‌ای در برابر دشمن در زمان معاویه و بعد از او در برابر یزید داشتند که در ادامه به بخش‌های مهمی از آنها اشاره شود

۳-۱. شجاع امام حسین علیه السلام در برابر معاویه

امام حسین علیه السلام با اینکه مانند برادر بزرگوارش امام حسن مجتبی علیه السلام معتقد به دشمنی معاویه با اسلام و پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام بود، در دوره امامت برادرش کاملاً از سیاست وی دفاع می‌کرد؛ حتی پس از شهادت ایشان هم تا زمانی که معاویه زنده بود، به صلح‌نامه وفادار ماند. اما گاهی بین امام حسین علیه السلام و معاویه، گفتمان و نامه‌هایی ردوبدل می‌شد که نشان‌دهنده شجاعت و قاطعیت حضرت است. امام خطاب به معاویه نوشتند:

.... آیا تو نبودی که از روی ظلم، حجر بن عدی و یاران او که در براندازی ظلم و مخالفت با بدعت‌ها مبارزه کردند و از هیچ خطری نمی‌هراسیدند، به قتل رساندی؟ آن هم بعد از آنکه با قسم‌های شدید به آنان امان دادی. آیا تو قاتل عمرو بن حمق خزاعی نیستی؟ او که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود که عبادتش او را ضعیف و چهره‌اش را تغییر و جسمش را لاغر کرده بود. آیا تو کسی نیستی که مدعی اخوت زیاد بن سمیه شدی؟ فردی که در فراش عبید، عبد ثقیف به دنیا آمده و گفتی که او فرزند پدر توست؛ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود: فرزند به دنیا آمده از آن کسی است که در فراش او متولد شده و زانی باید سنگسار شود. تو سنت پیامبر را ترک و با فرمان او به عمد مخالفت کردی. بعد از آن زیاد را به بصره و کوفه مسلط کردی، در حالی که او دست‌های مسلمین را قطع و چشمان آنها را نابینا نموده و آنها را به شاخه‌های نخل آویزان می‌ساخت. ای معاویه، ... من برای تو جز این نمی‌گویم که تو در حق خود خسران کردی، دینت را ضایع کردی و امانتی را که در دست داری مورد سوءاستفاده قرار دادی.^۱

۳-۲. شجاعت امام حسین علیه السلام در برخورد با والی مدینه

بعد از مرگ معاویه، یزید در نخستین اقدام خود در ۱۵ رجب سال ۶۰ هجری قمری، برای ولید

۱. همان، ص ۲۱۲؛ محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ص ۲۳.

بن عتبه والی مدینه نامه نوشت که از آن حضرت بیعت بگیرد. امام حسین علیه السلام بعد از اطلاع از دعوت والی مدینه، به ملاقاتش رفت که در آن جلسه مروان بن حکم از بزرگان بنی امیه نیز حضور داشت. گفتگوهایی بین امام حسین و ولید ردوبدل شد. حضرت بیعت را در چنین زمان و دور از انظار مردم نپذیرفت. مروان اشاره کرد در صورت خودداری حضرت از بیعت، گردش را بزند و او را به قتل برساند. امام متوجه جریان شد به مروان فرمود: آیا تو می خواهی مرا به قتل برسانی؟ و خطاب به والی مدینه کرد و با شجاعت و قاطعیت تمام رذایل یزید را برشمرد: «أَيُّهَا الْأَمِيرُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبُطِ الرَّحْمَةِ بِنَافْتِحِ اللَّهِ وَبِنَايَحْتِمِمْ. وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ مُغَلِّبٌ بِالْفِسْقِ وَمِثْلِي لِأَيَّامٍ مِثْلَهُ وَلَكِنْ نُصْبِحُ وَنُصْبِحُونَ وَتَنْظُرُونَ آيْنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ»^۱.

۳-۳. شجاعت در برابر لشکر دشمن

امام حسین در مقابل لشکر دشمن می ایستد و فریاد برمی آورد: «الَا وَ أَنَّ الدَّعِيَ ابْنِ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ! يَا أَبَى اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ»^۲: مردم کوفه، آن ناکس پسر ناکس امیر شما، به من گفته است که از این دو کار یکی را انتخاب کن: یا شمشیر یا تن به ذلت دادن. هیهات که ما زیر بار ذلت برویم. خدای من که در راه رضای او قدم برمی دارم، راضی نیست و می گوید نکن؛ پیغمبر که وابسته به مکتب او هستم، می گوید نکن؛ آن دامن هایی که من در آنها بزرگ شده ام، دامن علی که روی زانوی او نشسته ام، به من می گوید تن به ذلت نده»^۳. در جای دیگری فرمودند: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ؟ لِيَرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا، إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»^۴: ای مردم، نمی بینید که به حق عمل نمی شود و کسی از باطل روی گردان نیست؟ در چنین شرایطی، مؤمن [نگفت حسین یا امام] باید لقای پروردگارش را بر چنین زندگی ای ترجیح بدهد. من مردن را برای خودم سعادت و زندگی با ستمگران را موجب ملامت می بینم».

۱. القاضی نورالله المرعشی شوشتری (تستری)، إحقاق الحق، ج ۳۳، ص ۶۷۳ - ۶۷۴.

۲. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۱۶۷.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۹ - ۵۰.

۴. حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۸.

مرا عار آید از این بندگی که سالار باشم کنم زندگی^۱

۳-۴. شجاعت در اوج غربت

اوج غربت و تنهایی امام حسین علیه السلام در لحظه‌های واپسین روز عاشورا است که حضرت با انبوهی از مصیبت‌ها و فراق مظلومانه فرزندان، برادران، خویشاوندان و اصحاب خود قرار گرفته است. اما روز عاشورا، روز معراج حسین بن علی علیه السلام است؛ روزی که ما باید از غیرت، مقاومت، شجاعت و دلیری حسین پرتوی بگیریم و بیدار شویم.^۲

نقل شده است روحیه شجاعت و قاطعیت حضرت در روز عاشورا بسیار شگفت‌انگیز است؛ یکی از حاضران صحنه کربلا که در واقع به مثابه خبرنگاری قضایا را نقل می‌کند، می‌گوید: «وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَكْتُورًا قَطُّ قَدْ قُتِلَ وُلْدُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ اصْحَابُهُ اِزْبَطُ جَاشَأً مِنْهُ»^۳ به خدا سوگند هیچ مغلوبی را مانند حسین که فرزندان و خاندان و یارانش شهید شده باشند پابرجا تر و قوی‌دل‌تر ندیدم».

به یقین بر اساس شواهد تاریخی، کسی جرئت نبرد تن‌به‌تن با اباعبدالله علیه السلام را نداشت؛ از این رو ابتدا چند نفر آمدند و جنگیدند؛ ولی آمدن همان و از بین رفتن همان. پسر سعد فریاد کرد: چه می‌کنید؟ پسر علی است، روح علی در پیکر اوست. با او تن‌به‌تن نجنگید. بنابراین جنگ ناجوانمردانه و با ابزار گوناگون شروع شد؛ سنگ‌پرانی، تیراندازی و...؛ جمعیتی چند هزار نفره که می‌خواهند يك نفر را بکشند. همین‌ها وقتی اباعبدالله حمله می‌کرد، درست مثل يك گلّه روباه که از جلوی شیر فرار می‌کند، فرار می‌کردند.^۴

۳-۵. شجاعت و آزادگی در واپسین لحظات عمر

در تاریخ آمده است حضرت در آخرین لحظات که اندک رمقی دارد و احساس می‌کند دشمن به سوی خيام اهل بیتش هجوم می‌برد، با همان صدای نحیف، شجاعانه و قاطعانه خطاب به دشمنان می‌فرماید: «وَيُحَكِّمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ،

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (حماسه حسینی ۱-۲)، ج ۱۷، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۳. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين، ج ۲، ص ۳۸؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۴، ص ۳۴۵.

۴. محمدجواد مغنیه، الحسين علیه السلام و بطله کربلاء، ص ۴۷-۴۸؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۱۹۱.

فَكُونُوا أحراراً في دُنْيَاكُمْ هذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَىٰ أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ؛^۱ ای بر شما! ای شیعیان و پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی ترسید لا اقل در دنیای خود آزاده باشید و اگر خود را عرب می دانید به خلق و خوی عربی خویش پایبند باشید».

نتیجه

امام حسین علیه السلام آینه تمام‌نمای حق است که به ما می آموزد بعد از شناخت دشمن و اعلان جنگ و اقدامات او، هرگز نباید دچار شک، ترس، تزلزل، سستی و عقب‌نشینی شد و گرفتار فرجام زیان‌بار و جبران‌ناپذیر گشت.

آینه حق‌نما، حسین است حسین جان و تن مصطفی، حسین است حسین
مصباح هدایت بشر تا محشر بی شبهه حسین است حسین

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، محقق/ مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. _____، النخصال، محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، مصحح: هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی، قم: علامه، [بی تا].
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق/ مصحح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق/ مصحح: سید مهدی رجائی، چ ۲، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۷. جمعی از نویسندگان، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، مترجم: علی مؤیدی، چ ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۱.

امام حسين عليه السلام الكوى شجاعت و قاطعيت با دشمن ■ ٥٧

٨. حلوانى، حسين بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٨ ق.
٩. شوشترى (تستري)، القاضى نورالله المرعشى، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: مكتبة آيت الله المرعشى النجفى، ١٤٠٩ ق.
١٠. مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت: دارالكتب العلمية، [بى تا].
١١. مسعودى، على بن حسين، اثبات الوصية، ج ٣، قم: انصاريان، ١٤٢٦ ق.
١٢. مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، قم: صدرا، ١٣٧٢ ش.
١٣. مغنيه، محمدجواد، الحسين عليه السلام و بطلة كربلاء، محقق: سامرى عزيزى، [بى جا]: دارالكتاب الإسلامى، ١٤٢٦ ق.
١٤. نراقى، ملا محمد مهدي، جامع السعادات، ترجمه: سيدجلال الدين مجتبوى، ج ٤، تهران: [بى نا]، ١٣٧٧ ش.